

اصلاح سیستم مالیاتی در کشورهای در حال توسعه

اصلاحات مالیاتی موفق چه مشخصاتی دارند؟ مروری بر تجربه کشورهای در حال توسعه

نویسندگان: آقای جواد خلیل زاده شیرازی و آقای انور شاه

ترجمه: معصومه نونژاد

دانشگاه الزهراء

چکیده: بر اساس شناخت عوامل تشکیل دهنده ساختار مالیاتی کشورهای در حال توسعه از جمله: پیچیدگی عدم انعطاف، عدم کارایی و ناعادلانه بودن آن و همچنین مطالعه تجربیات کشورها، زمینه مناسبی برای اصلاح ساختار مالیاتی بوسیله گسترش مبنای و مآخذ مالیات، وضع مالیات بر ارزش افزوده (VAT) بهبود نحوه اداره امور مالیات و بالاخص اعتبار و اعتقاد فراگیر به صحت فرآیند اصلاحات فراهم می آید. این مقاله اهم عناوین و زمینه های اصلی بررسی بانک جهانی را در این باره مورد توجه قرار می دهد.

بازسازی ساختار سیستم های مالیاتی، برای موفقیت اقتصاد کلان و اصلاحات اساسی در سیاستها، بسیار با اهمیت باشد.

بانک جهانی در يك پروژه تحقیقاتی، در اوایل سال ۱۹۸۸ تجربه ده کشور در حال توسعه را در باره اصلاحات مالیاتی مورد بررسی قرار داد تا بتواند از تجربه آنها در مورد کشورهای دیگری که اینگونه اصلاحات را مد نظر دارند، استفاده نماید. کشورهایی که در این بررسی مورد مطالعه قرار گرفتند شامل: بولیوی، کلمبیا، جامائیکا، اندونزی، ملاوی، مکزیک، مراکش، جمهوری کره، ترکیه و زیمبابوه بودند. نتیجه این پروژه و همچنین تحقیقات اخیر

اصلاح سیستم مالیاتی یکی از عوامل تنظیم کننده برنامه های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است که روز بروز بر اهمیت آن افزوده می گردد. کما این که مورد حمایت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز می باشد. عدم توازن در تراز پرداختها، اغلب از سیاستهای مالی نامتناسب ناشی می شود و این باور روزافزون وجود دارد که راه برخورد با عدم تعادل مالی دولت، تنها محدود نمودن هزینه نمی باشد. علاوه بر این سیستم های مالیاتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه اغلب مغشوش است و امر توزیع یکی دیگر از مشکلات عمده آنها می باشد. چنین به نظر می رسد که

همچنین بیشتر کشورهای در حال توسعه که با مشکلات مالی مشابهی مواجه هستند. شدیداً بر عوارض واردات و مالیات بر صادرات متکی می‌باشند، که این امر باعث تضعیف قدرت رقابتی بلند مدت آنها در صحنه اقتصاد بین‌المللی می‌گردد، و این در حالی است که امکانات افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق مالیات بر مصرف دست نخورده باقی مانده است. درآمدهای کشاورزی، فوق‌العاده پاداش، و در بعضی از کشورها دستمزد بخش دولتی شامل مالیات نمی‌گردد، در حالی که مالیات بر درآمد های بادآورده، مستغلات و ثروت، تنها بخش کوچکی از کل درآمدها را تشکیل می‌دهد. در نتیجه مالیات بر درآمد اشخاص و موسسات بر پایه یی محدود ولی با نرخی بالا وضع می‌گردد. سیستم های مالیاتی موجود نیز به صورتی گسترده برای پیشبرد اهداف سیاستهای اقتصادی که اغلب با یکدیگر در تضادند- از قبیل افزایش در آمد، توسعه صنعتی و منطقه یی، پس انداز، سرمایه گذاری، اشتغال و اعتلای صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از روشهای متعارف، وضع نرخهای مالیاتی ترجیحی، یا اعطای معافیت و یا تخفیفهای

بانک بر روی برخی سیاستهای خاص مالیاتی، در کنفرانسی که در مارس ۱۹۹۰ در بانک تشکیل شد، مورد بررسی قرار گرفت.* هدف از این مقاله ارزیابی عنوان اصلی نتایجی است که از کنفرانس مزبور حاصل گشته است.

نیروی محرکه برای اصلاحات

بررسی تجربه اصلاحات سیستم مالیات نشان می‌دهد که ساختار مالیاتی در اکثر کشورهای در حال توسعه دارای مشخصات زیر است:

پیچیده - مشکل می‌توان آنرا اعمال و از آن تابعیت کرد؛ غیر قابل انعطاف- نسبت به رشد و ساختار متغیر فعالیتهای اقتصادی حساسیت ندارد؛ عدم کارایی- بطور جدی تغییرات نامطلوب اقتصادی ایجاد می‌نماید و اغلب، درآمدهای اندکی از آن حاصل می‌شود؛ نابرابر- با افراد واحدهای تجاری در شرایط یکسان برخوردارهای متفاوتی می‌شود؛ و غیر منصفانه- اجرای سیاستهای مالیاتی و اعمال آنها انتخابی است، و به نفع کسانی است که می‌توانند بر سیستم مالیاتی فائق آیند.

*بانک جهانی در ماه مارس سال ۱۹۹۰ میزان کنفرانسی بود که در آن به بررسی مجدد تجربه مالیاتی در کشورهای در حال توسعه پرداخته شده بود. در آن کنفرانس در مورد مواردی از قبیل: مالیات بر سرمایه گذاری خارجی، منافع و نهادهای مالی، ذرح مالیاتهای غیر مستقیم، انگیزه مالیاتی، مدل سیاستهای مالیاتی و رشد اقتصادی، بحث گردید و پیش بینی می‌شد که مباحث مربوط به سیاستهای مالیاتی را در سالهای دهه ۹۰ تحت الشعاع قرار دهد. مجموعه مقالات کنفرانس که بوسیله ی این نویسندگان ویراستاری گردیده بزودی توسط بانک جهانی منتشر خواهد گشت.

دروسی از اصلاحات مالیاتی

در کشورهای در حال توسعه، گسترش مبنای مالیات و کاهش نرخهای آن باید مهمترین هدف هرگونه حرکتی در جهت اصلاح ساختار مالیاتی باشد. کشورهای در حال رشد عموماً مالیاتهای بالایی بر روی مبنای محدود مالیاتی وضع می کنند و این امر باعث گریز از پرداخت مالیات و بدبینی نسبت به عدالت سیستم مالیاتی می شود. بسط مبنای مالیاتی می تواند در آمد مالیاتی را افزایش دهد، و همچنین امکان برخورد یکسان با فعالیتهای و اشخاص در شرایط اقتصادی مشابه را فراهم آورد. همچنین توزیع بار مالیاتی در میان طبقات در آمدی، با محدود نمودن مالیاتهای ترجیحی که عموماً ثروتمندان از آن بهره مند می شوند، بهبود می یابد. کاهش نرخهای مالیاتی اثرات عدم تقابلی به پرداخت مالیات را تعدیل می نماید.

مالیات بر ارزش افزوده (VAT) می باید بخش مهمی از دستور العمل اصلاح مالیات بر فروش در کشورهای در حال توسعه را تشکیل دهد. مالیات بر فروش (مصرف) از نوع مالیات بر ارزش افزوده با مأخذ و مبنای وسیع، بدون ایجاد انحراف می تواند مبالغ قابل توجهی بر درآمدهای عمومی بیافزاید. این مالیات همچنین برای پس انداز بیشتر انگیزه ایجاد می کند. در حالی که عواقب و جوانب اثر توزیعی چنین مالیاتی روشن نیست، احتمال می رود، بخش مالیات بر ارزش افزوده که بر واردات تعلق می گیرد.

خاص برای فعالیتهای مطلوب می باشد. در کتب مالیه عمومی، صرف نظر نمودن از بعضی درآمدهای مالیاتی، به منظور تشویق برخی فعالیتهای خاص را «هزینه مالیات» می نامند. به عنوان مثال، برای اعتدالی سرمایه گذاری در مناطق کم رشد بسیاری از کشورها در شروع فعالیت يك دوره معاف از مالیات (تعطیلات مالیات) را منظور می داند. اما اعمال و اجرای ضعیف چنین سیاستهایی موجب می شود که این تصمیمات عموماً برای دستیابی به اهداف خاص سیاستگذاری مناسب نباشند در سادگی منجر به راندمان پایین تر گردند در این حالت باید بر فعالیتهای دیگر مالیاتهای بالاتری وضع نمود.

با شناخت این عوامل، بسیاری از کشورها در حال اصلاح و بسیاری دیگر مشغول ارزیابی دقیق سیستم های مالیاتی خود می باشند. هدف عمده از اصلاحات مالیاتی، برقرار نمودن سیستم مالیاتی کار آمدی می باشد که از نظر اداری قابل اجرا با کمترین اختلال در اقتصاد، بحد کافی درآمد ایجاد نماید و متکی بر مالیاتهایی باشد که از جنبه سیاسی امکان پذیر است.

هر چند که ابعاد اصلاحات مالیاتی در کشورهای دیگر نسبت به سیستم اولیه مالیات محدودیتهای اداری و اولویتهای اجتماعی- اقتصادی دولت متفاوت می باشند، اما میتوان يك نتیجه گیری کلی در مورد جهت گیری مناسب اصلاحات مالیاتی از تجربه ده کشور نامبرده نمود.

اصلاح هماهنگ سیستم مالیات مزایای قابل توجهی نسبت به اعمال ناشیانه و ناپیوسته دارد. اصلاحات هماهنگ سازگاری تغییرات در مالیات را با اهداف کلی تضمین می‌کند. برای مثال کاهش در نرخهای تعرفه بدون افزایش مالیات بر اقلام دیگر می‌تواند کسری بودجه را افزایش و مشکلات اقتصاد کلان را شدت بخشد. اصلاح هماهنگ این مالیاتها عبارت است از کاهش تعرفه همراه با افزایش مشابهی در مالیات بر مصرف که بطور یکسان بر تولید داخلی و واردات اعمال میگردد. مضافاً اینکه برای بهبود عملکرد اقتصادی، اصلاحات مالیات باید با اقداماتی در جهت تغییر ساختاری همراه باشد.

بهبود نحوه‌ی اداره امور مالیات شرط موفقیت اصلاحات مالیاتی می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه موفقیت در بسط مبانی مالیاتی موجود و کاهش نرخ آن به دلیل مشکلات موجود در اداره‌ی امور مالیاتی همچنان مورد عدم توجه قرار می‌گیرد. عدم موفقیتی را که در این زمینه مشاهده می‌شود می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد. اعمال انتخابی و اهمال کاری؛ اداره غیر موثر امور مالیاتی که بخشی از آن به دلایل عدم توانایی سیاسی می‌باشد؛ مشکلات نهادی و سیاسی همراه با آوردن درآمدهای کشاورزی به زیر پوشش مالیات، و عدم تمایل به پرداخت مالیات بر درآمد در شرایطی که گریز از مالیات يك اصل و نه يك استثناء است. بنابراین تغییر ساختار سیستم مالیاتی همزمان با اصلاحات در نحوه‌ی اداره‌ی امور مالیات از اهمیت

منافع وارد کنندگان و صاحبان جواز واردات و خرید و فروش ارز را کاهش دهد. علاوه بر این مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند تسهیلاتی را در امر وصول مالیاتهای دیگر فراهم آورد، زیرا سابقه قابل کنترلی از معاملات در کاتالهای تولید و توزیع ایجاد می‌نماید. البته این امکان در مورد کشورهای در حال توسعه بالقوه است و باید در آینده مورد بهره برداری قرار گیرد. کاربرد مالیات بر ارزش افزوده در افزایش در آمد و کاهش هزینه برای بالابردن راندمان مالیات در کشورهای: اندونزی، ترکیه، برزیل، کلمبیا، مکزیک، کره و ملاوی موفق بوده است. البته اجرای مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای در حال توسعه مشکلات خاصی را بیار می‌آورد. مالیات بر ارزش افزوده قادر نیست فعالیتهای متعددی را که در بخش غیر رسمی يك کشور عادی در حال توسعه صورت می‌پذیرد، در بر گیرد. مضافاً اینکه برای مستثنی نمودن فقرا از پرداخت مالیات، کالاهای احتیاجات اساسی عموماً از مالیات معاف می‌گردند که این خود پیچیدگیهایی را در امور اداری موجب می‌شود. تجارت بین منطقه بی نیز مشکلات خاص خود را در امر اجرای مالیات بر ارزش افزوده بوجود می‌آورد. برای این نوع تجارب، مقررات آئیننامه‌ساده بی برای اعطای امتیاز مالیاتی در بین ایالات وضع می‌گردد. همچنین مالیات بر ارزش افزوده به مالیات بر خرده فروشی یا عملکرد خوب در اقتصادهای کوچکی (به شکل جزیره) که زیر بنای محدود صنعتی دارند و شدیداً به تجارب مرزی متکی هستند، برتری ندارد

خاصی برخوردار می باشد.

استفاده از سیستم مالیات برای اهداف غیر درآمدی (از قبیل مالیات ترجیحی برای برخی سرمایه گذاری های خاص) باید محدود گردد. در حالی که استفاده از سیستم مالیات برای ارتقاء اهداف اجتماعی و اقتصادی موجه می باشد ولی در چنین صورتی اغلب به کاهش شدید ذخیره ی ملی می انجامد زیرا فعالیتهای اقتصادی موجود صاحب درآمدهای بادآورده می شوند و یا از طریق انتقال امکانات به فعالیتهایی با مالیات ترجیحی و نهایتاً مبنای مالیات را محدود می نمایند. بنابراین در تهیه سیاستهای مالیاتی که بتواند اهداف اقتصادی و اجتماعی را جوابگو باشند، می باید دستاوردهای بالقوه در مقابل زیانهای بالقوه ناشی از کاهش راندمان و درآمد که همراه با این سیاستهاست، سبک و سنگین گردد. اخیراً کشورهای کلمبیا، مکزیک، اندونزی و جامائیکا اصلاحاتی را برای محدود نمودن کاربرد سیستم مالیات برای اهدافی غیر از کسب درآمد به اجرا گذاشته اند.

در اصلاحات مالیاتی باید شرایط اولیه در داخل و خارج را در نظر داشت.

در جهت اصلاح سیستم مالیاتی خود کشورهای در حال توسعه، نه تنها توسط ساختار نهادهای خود دچار محدودیتهای و مشکلات شدید هستند بلکه این محدودیتهای توسط ساختار مالیاتی کشورهای صادرکننده سرمایه نیز بر آنها تحمیل می شود. برای

مثال مقررات تسهیلات مالیات خارجی ایالات متحده امریکا از بکارگیری يك سیستم مالیاتی به شکل گردش وجوه نقدی ۰ (سیستمی که تمام هزینه های سالانه از درآمد همان سال کاسته می شود) در کشورهای در حال توسعه ممانعت بعمل می آورد. این روش بدین جهت است که در چنین سیستم، مالیاتی را که سرمایه گذران آمریکایی به ملل در حال توسعه می پردازند نمی توانند از مالیاتهای داخلی آنها کسر نمایند با وجود این، احتمال دارد شرایط داخلی طوری باشد که تغییر کامل سیستم های مالیاتی به مشکلات بسیار جدی بینجامد. بنابراین کشورهای در حال توسعه باید وضعیت اولیه در داخل و خارج را در نظر داشته باشند تا اطمینان حاصل نمایند که کوششی که در جهت اصلاحات صورت می پذیرد به موفقیتهای می انجامد.

به تأثیر سیاستهای مالیاتی بر بهره وری بین المللی در تحلیل اصلاحات مالیاتی توجه زیادی نشده است به نظر می رسد که کشورهای در حال توسعه اغلب درگیر رقابت مالیاتی بیپرده یی هستند، بدین طریق که سرمایه گذاران خارجی انگیزه های روز افزونی می بخشند، در حالی که به مسائل مالیاتی که يك سرمایه گذار بالقوه در وطن خود با آن روبروست توجه کافی نمی نمایند. از يك سرمایه گذار، از کشوری که دارای سیستم مالیاتی پیشرفته است به نرخ کشور محل اقامتش مالیات اخذ شود، برای مثال، به نرخ مالیات در کشور امریکا از سرمایه گذار امریکائی مالیات اخذ شود، بدون این که تأثیر

مشکل می باشد. از آن جایی که دستاوردهای اصلاحات فراگیر اغلب در میان مدت و بلند مدت ظاهر میگردند، تشکیل به جبهه ی سیاسی برای به اجراء گذاشتن اصلاحات فراگیر نیاز به کوششی جدی دارد. البته غالباً روش عملی تلاش برای به اجراء درآوردن تدریجی و مداوم در طول زمان می باشد. هرچند که تداوم سنواتی اصلاحات مالیاتی مورد نظر می باشد ولی در عمل مشکل می توان بدان دست یافت. برای مثال در کلمبیا در اصلاحات سالهای ۱۹۷۴، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ يك نوع مالیات بر ثروت خالص از عوامل مهم و پیشرفته سیستم مالیاتی محسوب می شد ولی در سال ۱۹۸۹ همین مالیات برچیده شد. بدین ترتیب، گسترش مبنای مالیات همراه با کاهش نرخهای مالیات باعث ایجاد مخالفت عمده نمی گردد و لذا از اصلاحات جلوگیری نمی نماید اما در صورتی که بعد از انجام این تغییرات مالیاتهای ترجیحی برای بهبود بخشیدن به منافع خاص مجدداً وضع گردند، کوشش اولیه برای اصلاح مالیات به بدتر شدن بودجه کمک می کند زیرا در تحلیل نهایی نرخهای پایین تری بر مبنای محدودتری اعمال خواهد گردید.

تغییرات مالیاتی برندگان و بازندگانی بوجود می آورد. هر تغییری در مالیات اندکی راندمان بهتر و عدالت عمودی (که براساس آن درآمدهای بالا مالیات بیشتری می پردازند) بیشتر بوجود می آورد، این مبادله را باید شناخت و به موقع مورد استفاده قرار داد با اعمال معافیتها می توان در کشورهای در

سوء بر انگیزه سرمایه گذاری داشته باشد. مضافاً اینکه، کشور میزبان باید اطمینان حاصل نماید که با جابه جایی نرخها (یعنی، نحوه نرخ گذاری معاملات داخلی شرکتهای چند ملیتی، به صورتی که در ظاهر بیشتر سود در کشورهای با مالیات پائین جلوه نماید) در آمد شرکتهای کشورهای با مالیات نازل منتقل نگردد.

کلید موفقیت هر اصلاحاتی در مالیات،

اعتقاد به صحت آن می باشد. در شرایطی که يك سیاست مالیاتی با ثبات وجود دارد، بازار در تصمیم گیریهای بلند مدت در مسائل مالی و سرمایه گذاری ترغیب بیشتری نشان می دهد. تغییرات در مالیات بدون توجه کافی به ترتیبات جا به جایی به اعتبار روشهای جدید مالیاتی لطمه می زند. بنابراین در کشورهای در حال توسعه این ترتیبات جابه جایی باید مورد بررسی و تحلیل دقیق تری نسبت به گذشته قرار گیرند. توجه بیشتر به آماده سازی، تحلیل اصلاحات، مشاوره پیشرفته و علاوه بر آن تعیین دوره ی مناسب تطبیق قبل از اجراء، قوانین پدرا نه و تداوم تاریخی اصلاحات مالیاتی، اعتماد بازار را به اعتبار سیاستهای مالیاتی برقرار می سازد. در مجموع باید يك سیاست مالیاتی پابرجا به عنوان هدف در نظر گرفته شود و از تغییرات متناوب باید پرهیز نمود.

اقتصاد سیاسی اصلاحات مالیاتی

اصلاحات مالیاتی اغلب يك فرایند حساس و

برارزش افزوده‌ی بی‌که توسط حکومت فدرال وضع می‌گردد، توسط حکومت مرکزی جلوگیری می‌شود. حکومت‌های مرکزی نگرانند که مبادا مالیات بر ارزش افزوده فدرال، اختیارات آنان را در وضع مالیات بر فروش در سطح ملی و محلی محدود سازد. در پاکستان « مالیات اکتروی » را که مالیاتی بر تجارت بین منطقه ایست، نمی‌توانستند حذف نمایند زیرا منبع درآمد محلی قابل توجهی می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه، مالیات بر زمین دیگر در آمد مهمی بشمار نمی‌آید. البته در صورتی که حکومت‌های محلی به منابع درآمدی آن دسترسی داشته باشد ممکن است غیر از این باشد. مالیات بر زمین را می‌توان به صورت حق استفاده از خدمات عمومی تلقی نمود و بدین ترتیب امکانات بالقوه‌ی قابل توجهی را برای کسب در آمد فراهم کرد؛ به طریقی که ایجاد اختلال نیز ننماید.

اداره‌ی امور مالیات نقشی اصلی و کلیدی دارد و بنابراین هنگام ارائه پیشنهاد برای سیاست‌های مالیاتی باید روش‌های اداری و امکانات بالقوه برای بهبود آنها در مدنظر داشت. تجربه نشان داده است که دسته بندی سیاست عمومی به بخش‌های مختلف (یا حتی شاخه‌های مختلف همان بخش‌ها) انتخاب اصلاحات مالیاتی را محدود می‌سازد. به طور مثال در هیچیک از کشورهای مورد مطالعه مالیات و کمک‌های اختیاری بطور همزمان مورد بررسی قرار نگرفته است. انتخاب تنها به شقوق مختلف مالیاتی محدود بود و هزینه‌های اختیاری مستقیم را در بر

حال توسعه با این وضعیت برخورد نمود. شناخت دستاوردها و نقصانها توسط طبقات درآمدی، مناطق جغرافیایی و توسط گرایش‌های سیاسی بگونه‌ی بی‌که بتوان در بلند مدت تحقق و تداوم اقدامات اصلاحی را عملاً ارزیابی نمود، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. از سیاست‌های مالیاتی کوتاه مدت برای نیل به مقاصد غیردرآمدی باید پرهیز نمود زیرا موجب ایجاد مراکز سیاسی پر قدرت که به این سیاستها وابسته‌اند، می‌گردد. اصلاحات جامع امکان ایجاد توازن میان دستاوردها و نقصانها برای گروه‌های مختلف را فراهم می‌آورد و باعث ایجاد فضای مساعدی می‌شود که با اصلاحات پراکنده دست یافتن به آنها غیرممکن بوده است.

تجارب کشورهای نشان می‌دهد که طرح‌های اصلاحات مالیاتی را باید در قالب ساختار اقتصادی و نهادهای هر کشور مورد توجه قرار داد. برای مثال، در کشورهایی چون کلمبیا، اندونزی و ملاوی با درآمدهای متوسط پایین، انتظار می‌رود که درآمدهایی که از توسعه‌ی مالیات بر درآمد بدست می‌آید، در حد پایین باشد، و بنابراین به نظر می‌رسد که مالیات بر ارزش افزوده محور اصلی کوشش جهت افزایش درآمد باشد. اما در کشورهای تازه صنعتی شده نظیر کره، توسعه مبنای مالیات امکانات بالقوه و قابل توجهی را در بردارد. در یک کشور فدرال، تفریض اختیار در امور مالیاتی در سطوح مختلف دولت عموماً راه‌های اصلاحات مالیات را محدود می‌سازد. مثلاً در هندوستان از مالیات

نداشت.

اندونزی قبل از سال ۱۹۸۳ کمتر از يك سوم در آمد خود را از منابع غیرنفتی بدست می آورد. در طول سالهای قبل، از سیستم مالیات برای دستیابی به اهداف غیر درآمدی، از قبیل توسعه صنعتی و منطقه یی و ایجاد يك جامعه بی طبقه، بدون موفقیت استفاده می کرد. در طی این سالها اکثر منابع درآمدی مخصوصاً مالیات بر درآمد و فروش، مشمول نرخهای تصاعدی و بر اساس مبانی محدود می گشت. اهمال در اداره ی امور مالیات بر این مشکلات می افزود. در حالی که کاستیهای سیستم مالیات تشخیص داده می شد، ولی رشد در آمدهای نفتی باعث عدم توجه به نیاز فوری جهت اصلاح مالیات گشت. اما بحران نفت در اوایل دهه ۱۹۸۰ محرکی برای ایجاد تنوع در منابع درآمدی، بوجود آورد. با توجه به این موارد، اقداماتی که برای اصلاح مالیات در سال ۱۹۸۳ معرفی گردید تأکید بر افزایش در آمد از طریق مالیات بر مصرف با مبنای وسیع و بهبود اداره امور مالیات داشت. و روش دستیابی به این اهداف از طریق به حداقل رساندن اختلالات در تخصیص منابع و حمایت از فقیرترین اقشار کم درآمد در برابر تور گسترده مالیات می باشد.

مالیاتی بر ارزش افزوده و مالیاتی بر فروش اجناس لوکس وضع گردید. مبانی مالیات اشخاص و شرکتها گسترش یافت و مشمول نرخهای اسمی پایین تری گردید. يك ساختار سه نرخي (۱۵، ۲۵، ۳۵ درصدی) که بر درآمد کلیه منابع اعمال می گردید، جایگزین هفده نرخ مالیات فردی و ۳ نرخ مالیات

برای موفقیت اصلاحات، لازم است نخبگان سیاسی و اداری کشور، پیشنهادها را از آن خود بدانند. مضافاً شرکت متخصصین محلی در طراحی اصلاحات میزان موفقیت آنرا افزایش می دهد زیرا آنها قضاوت بهتری از نبض سیاسی کشور دارند. بخشی از موفقیت اصلاحات مالیاتی در کلمبیا و مالوای را می توان به هسته ورزیده ی متخصصین محلی نسبت داد که با مشاورین خارجی همکاری نزدیک داشتند.

روش تحقق افزایش تبعیت از اصلاحات، حصول این اطمینان است که نه فقط مردم در مورد پیشنهادهای اصلاحات مورد مشورت قرار گرفته باشند بلکه همچنین به آنها به روشنی تفهیم شود که این پول چگونه و برای چه هزینه خواهد شد. در کشور ملاوی بر روی تغییرات مالیات بر درآمد بحث فراوانی شد تا قبل از نهایی شدن پیشنهادها عکس العمل مالیات دهنده را بسنجند. این روش کمک نمود تا اطمینان حاصل شود که اصلاحات نهایی توسط اکثریت مردم که مشمول آن می شوند مورد قبول واقع می گردد.

بالاخره هر راهی که برای اصلاحات انتخاب شود، کمکی است برای جا انداختن يك برنامه فراگیر و همگن؛ پیش از مرحله اجرا اصلاحات بعدی مالیات در آینده باید جوابگوی شرایط متغیر اقتصادی و اجتماعی باشد.

تجربه اصلاحات مالیات در اندونزی

تجاری گردید. بیشتر مالیاتهای ترجیحی خاص لغو گردید، اما سطح معافیت پایه برای مالیات بر درآمد اشخاص بالا برده شد بگونه‌یی که تا ۹۰٪ از جمعیت از مالیات بر درآمد معاف گردید.

استراتژی اصلاحات مالیات در اندونزی در دستیابی به اهداف ذکر شده، دارای موفقیتی محسوس بود. تنها در عرض سه سال درآمدهای غیر نفتی به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی تقریباً ۵۰ درصد افزایش یافت این موفقیت را به طور عمده می‌توان به ایجاد یک مالیات بر ارزش افزوده نسبت داد. مالیات بر ارزش افزوده همچنین باعث حذف اثرات نامطلوب « مالیات بر فروش » و مالیات ترجیحی بر واردات، بر روی تولیدات داخلی گردید. مضافاً داده‌های بازار و صادرات از مالیات در امان ماندند.

کشور اندونزی در طول یک دوره سه ساله در سیستم مالیات خود تغییراتی اساسی ایجاد نمود. تجربه این کشور نشان می‌دهد که یک کشور در حال توسعه با اراده سیاسی برای انجام یک بازسازی اساسی سیستم مالیاتی می‌تواند موفقیت‌های عظیم در منافع اقتصادی داشته باشد.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی